



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه اقتصاد

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی علوم اقتصادی

تحلیل تاثیر گردشگری بر فقرزدایی و امنیت اجتماعی در ایران

استاد راهنما:

دکتر خدیجه نصرالهیی

استادان مشاور:

دکتر نعمت اله اکبری

دکتر رزیتا مویدفر

پژوهشگر:

مهدی مرادی شیبانی

مهر ماه ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،
ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق
موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه
اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه اقتصاد

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی علوم اقتصادی
آقای مهدی مرادی شیبانی تحت عنوان:

تحلیل تاثیر گردشگری بر فقرزدایی و امنیت اجتماعی در ایران

در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۱۰ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر خدیجه نصرالهی با مرتبه ی علمی استادیار امضا

۲- استادان مشاور پایان نامه دکتر نعمت اله اکبری با مرتبه ی علمی استاد امضا

دکتر رزیتا مویدفر با مرتبه ی علمی استادیار امضا

۳- استاد داور داخل گروه دکتر مجید صامتی با مرتبه ی علمی دانشیار امضا

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر آرش شاهین با مرتبه ی علمی استادیار امضا

امضای مدیر گروه

که شکری ندانم که در خورد اوست

نفس می نیارم زد از شکر دوست

چگونه به هر موی شکری کنم؟

عطائی است هر موی از او بر تنم

که موجود کرد از عدم بنده را

ستایش خداوند بخشنده را

روان و خرد بخشد و هوش و دل

بدیعی که شخص آفریند ز گل

کمال تشکر و قدردانی خود را از راهنمایی و مساعدت استاد محترم راهنما، سرکار خانم دکتر خدیجه نصرالهی ابراز می دارم و از جناب آقای دکتر اکبری و خانم دکتر مویدفر که زحمت مشاورت پایان نامه را به عهده داشتند، سپاسگزاری می نمایم. از تمامی اساتید گروه اقتصاد و مسئولین و کارشناس محترم گروه اقتصاد سرکار خانم رجایی صمیمانه تشکر می کنم و گرمترین سپاس های خود را نثار خانواده ام می کنم که در تمامی سال های تحصیل، مشوق و پشتیبان من بوده اند و با عشق و محبت شرایط لازم را برایم فراهم آورده اند.

مهدی مرادی شیبانی

مهر ماه ۱۳۹۱

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

چکیده:

در تمام دنیا از گردشگری به عنوان یک صنعت درآمدزا یاد می شود بطوری که بسیاری از کشورهای جهان با استفاده از سرمایه گذاری بر اماکن دیدنی تاریخی و یا اماکن مدرن امروزی برای جذب توریست فعالیت می کنند. این صنعت با بخش های مختلف اقتصادی و امنیتی-اجتماعی به طور مستقیم و غیر مستقیم در تعامل بوده و با داشتن اثرات مثبت عمیق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از بخش های حایز اهمیت به شمار می رود. با توجه به شرایط مذکور، شناسایی استان هایی که از این موهبت در سطح بالاتری برخوردارند، حایز اهمیت بیشتری است. توسعه هرچه بیشتر گردشگری در این استان ها ضمن اینکه باعث توسعه اقتصادی می شود، احتمالاً باعث بهبود امنیت اجتماعی نیز می گردد. لذا در این پژوهش به بررسی جایگاه استان ها از لحاظ ارتباطات بخش های اقتصادی مرتبط با صنعت گردشگری نسبت به سایر اقتصاد و تحلیل اثرات توسعه این صنعت بر توزیع درآمد پرداخته شده است. تحلیل توزیع درآمد و امنیت اجتماعی از دیگر اهداف این پژوهش است.

به منظور تحلیل و ارزیابی نقش این صنعت در بهبود وضعیت اقتصادی، از روش محاسباتی ماتریس حسابداری اجتماعی استفاده شده است. محاسبات مربوط به ارتباطات پسین و پیشین بخش های مرتبط با گردشگری با استفاده از محاسبات مربوط به ضرایب فنی انجام شده است. پس از تحلیل اثرات توزیعی این صنعت، به تحلیل مربوط به توزیع درآمد و امنیت اجتماعی مبادرت گردید.

نتایج نشان می دهند که از منظر اقتصاد توسعه، بخش های مرتبط با صنعت گردشگری به طور کلی دارای ارتباطات پسین و پیشین قوی با سایر بخش های اقتصادی هستند. از لحاظ اثرات توزیعی نیز ارزش افزوده و درآمد های حاصل در بخش های مرتبط با این صنعت به بهبود توزیع درآمد کمک می نماید. نتایج حاصل از برآورد نشان دهنده اثر معنی دار توزیع درآمد بر نرخ سرقت است. در اینجا با وارد کردن سایر متغیر های کنترل، اثرات این متغیر ها بر سرقت بررسی شد. بنابراین فقرزدایی دارای تاثیر معنی داری بر امنیت اجتماعی در ایران است.

کلید واژه ها: صنعت گردشگری، ماتریس حسابداری اجتماعی، ضریب جینی، امنیت اجتماعی

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱. مقدمه

کشور ایران برای ایجاد یک توسعه همه جانبه و پایدار و همچنین خلق منابع جدید کسب درآمد به جای اتکا به منابع نفتی نیازمند استفاده از تمامی امکانات و قابلیت های بالقوه و موجود خود است. یکی از امکانات موجود در کشور گردشگری است. زیرا ایران به لحاظ داشتن جاذبه های گردشگری از موقعیت مناسبی در دنیا برخوردار است. ایران یکی از دیدنی ترین کشورهای جهان و جز ده کشور اول جهان از لحاظ جاذبه های گردشگری و در رده پنج کشور اول جهان از نظر تنوع گردشگری و در زمره سه کشور اول جهان از نظر تنوع صنایع دستی است.

با توجه به شرایط مذکور، شناسایی استان هایی که از این موهبت در سطح بالاتری برخوردار هستند، حایز اهمیت بیشتری است. توسعه هرچه بیشتر گردشگری در این استان ها ضمن اینکه باعث توسعه اقتصادی بیشتر می گردد، احتمالاً باعث بهبود امنیت اجتماعی نیز می گردد. لذا در این پژوهش ضمن اینکه به بررسی جایگاه استان ها از لحاظ ارتباطات صنایع با صنعت گردشگری پرداخته می شود، به تحلیل اثرات توسعه این صنعت بر توزیع درآمد نیز پرداخته خواهد شد. تحلیل توزیع درآمد و امنیت اجتماعی از دیگر اهداف این پژوهش است.

۲-۱. شرح و بیان مسئله پژوهشی

گردشگری صنعتی است که مورد توجه بسیاری از کشورها و به خصوص کشور های در حال توسعه قرار گرفته است. صنعت گردشگری در جهان توسعه فراوانی یافته و بسیاری از کشور ها از این رهیافت توانسته اند وضعیت خویش را بهبود بخشند و بر مشکلات اقتصادی همچون پایین بودن درآمد سرانه، بالا بودن نرخ بیکاری و کمبود درآمد های ارزی فایق آیند. (صباغ کرمانی، ۱۳۷۵)

امروز در تمام دنیا از گردشگری به عنوان يك صنعت درآمدزا یاد می شود بطوري که بسیاری از کشورهای جهان با استفاده از سرمایه گذاری روی اماکن دیدنی تاریخی و یا اماکن مدرن امروزی برای جذب توریست فعالیت می کنند. این

صنعت با بخش های مختلف اقتصادی و امنیتی-اجتماعی به طور مستقیم و غیر مستقیم در تعامل بوده و با داشتن اثرات مثبت عمیق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از بخش های حایز اهمیت به شمار می رود.

صنعت گردشگری با درآمد سالانه نزدیک به یک هزار میلیارد دلار در جهان، یکی از مهمترین پدیده های قرن حاضر است که علاوه بر تاثیراتی که بر فقرزدایی و عدالت گستری دارد، بر سطح اشتغال هم می تواند کاملاً موثر واقع شود. درآمد های ایجاد شده برای کشورهای گردشگر پذیر بالقوه می تواند بر ساختار توزیع درآمدی آنها نیز تاثیر گذار باشد. این استدلال وجود دارد که مسئله فقر در گذشته، بخشی از برنامه ریزی در گردشگری کشور ها نبوده است. اما این امکان وجود دارد که گردشگری برای فقرا (PPT) را برای ایجاد درآمد بیشتر بخش فقیرتر جامعه مدنظر قرار دهیم. PPT به دخالت هایی اشاره دارد که از فراسوی تئوری سرریز آمده، مخصوصاً بر فقر متمرکز شده و منافع خالصی را برای فقرا ایجاد می کند. بنابراین PPT یک کالای بخصوص نیست، بلکه رویکردی است که جهت آزاد سازی فرصت ها برای فقرا طراحی شده اند. از سوی دیگر در باب توسعه گردشگری و کاهش فقر نظرات متفاوت و گاه متناقضی بیان شده است. شیلچر^۲ (۲۰۰۷) می گوید که اگر دولت ها می خواهند فقر را در کشور کاهش دهند، باید بپذیرند که بین رشد و عدالت یک تبادل (بده-بستان) وجود دارد. یعنی رشد گردشگری می تواند در تقابل با PPT باشد. شاید یکی از دلایلی که می تواند گردشگری را در تقابل با فقرزدایی قرار دهد، این است که افزایش در جذب گردشگران بین المللی منجر به افزایش نرخ ارز واقعی شده و در نتیجه باعث افت سایر صنایع صادراتی می شود. کویلند^۳ (۱۹۹۱) این اثر را در تئوری یک مدل اقتصادی نشان داد. از سوی دیگر بلیک^۴، آرباچ^۵، تلس^۶ و سینکلیر^۷ (۲۰۰۸) نشان داده اند که اگر اثرات گردشگری در برزیل به صورت برابری محاسبه شود، حکایت از تاثیر مثبت آن بر روی خانوار های فقیر دارد. یعنی وقتی که ارتباط خانوار های فقیر به زنجیره های عرضه صنایع مرتبط با گردشگری خیلی قوی نباشد، در آن صورت ارتباط آنها با سایر صنایع صادراتی حتی ضعیف تر شده و افزایش نرخ ارز واقعی می تواند به نفع این خانوار ها تمام شود. جمیسون^۸، گودوین^۹ و ادموندز^{۱۰} (۲۰۰۴) معتقدند که گردشگری از طریق ایجاد فرصت های کسب و کار SME^{۱۱}، خلق اشتغال مستقیم در بخش رسمی به وسیله فقرا و توسعه منافع جمعی جامعه از امتیازات انحصاری، می تواند به کاهش فقر در جامعه کمک نموده و از طریق فشار ناگزیر برای افزایش مخارج سرمایه گذاری در تسهیلات گردشگری و افزایش هزینه های زندگی افراد بومی اثر معکوس خود را بر توزیع درآمد خواهد داشت. حال وضعیت در ایران چگونه خواهد بود؟ آیا گسترش صنعت گردشگری به فقرزدایی و بهبود توزیع درآمد کمک می کند یا باعث نابرابری بیشتر می گردد؟

امنیت اجتماعی در ذیل موضوع امنیت ملی قرار دارد و یکی از مولفه اصلی آن را تشکیل می دهد. در واقع موضوع امنیت در سطحی پایین تر از دولت یعنی با افراد و سایر اجتماعاتی که رفاه، هستی و هویت خود را در معرض تهدید می بینند، مرتبط است که در ذیل امنیت اجتماعی به آن پرداخته می شود. بدین ترتیب اصل موضوعه امنیت اجتماعی معطوف به حفظ و بقای ویژگی های بنیادی و اساسی گروه های اجتماعی است که تحت عنوان هویت از آن یاد می کنند. امنیت اجتماعی مقوله ای است که افراد و دولت به همراه یکدیگر در تامین آن سهیم و شریک هستند و از این رو به تدریج و همگام با غیر قابل تفکیک شدن دولت و جامعه از یکدیگر، همین حالت در خصوص ناامنی آن دو مصداق پیدا می کند. مولر^{۱۲} (۲۰۰۰) تاکید دارد که امنیت اجتماعی را می توان به عنوان یک مفهوم فرضی برای هر جمع انسانی به کار برد و آن را عبارت می داند از قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای تکامل الگو های سنتی زبان، فرهنگ،

^۱ -Pro Poor Tourism

^۲ -Schilcher

^۳ -Copeland

^۴ - Blake

^۵ - Arbache

^۶ - Teles

^۷ - Sinclair

^۸ - Jamieson

^۹ - Goodwin

^{۱۰} - Edmunds

^{۱۱} -Small And Medium Enterprises

^{۱۲} -Moller

انجمن ها، مذهب، هویت ملی و رسوم. امروزه کارشناسان بر این باورند که رشد و توسعه اقتصادی پدیده‌ای کاملاً امنیت محور بوده و یکی از بخش‌های اقتصادی که در صورت عدم وجود امنیت ممکن است به شدت آسیب ببیند، صنعت گردشگری است. امنیت در معنای گسترده یکی از مهمترین مسائلی است که در میزان تقاضای گردشگران خارجی (تعداد گردشگران و مدت اقامت آنها) برای سفر تاثیرگذار است. تعرض به جهانگردان اقدامی علیه امنیت ملی است و وقوع اتفاقی برای جهانگردان به دلیل عدم تامین امنیت، مسوولیت بین‌المللی ایجاد می‌کند. وظیفه حفظ امنیت توریست بر عهده دولت است. حفظ امنیت در مرحله اول به کل حکومت و در مراحل بعدی به ارگان‌هایی مانند وزارت امور خارجه، وزارت کشور، وزیر مجموعه‌های آن یعنی نیروی انتظامی و... مربوط می‌شود. حال با توجه به وابستگی شدید صنعت گردشگری به امنیت اجتماعی، آیا این صنعت خود می‌تواند بر امنیت اجتماعی موثر باشد؟ آیا افزایش گردشگران در کشورها و مناطق گردشگر پذیر بر امنیت آنها تاثیر گذار است؟

فقر و نابرابری‌های درآمدی به عنوان یکی از مهمترین عواملی که می‌توانند امنیت اجتماعی را در یک جامعه تهدید کنند، همواره مورد توجه برنامه ریزان و سیاست‌گذاران بوده است. با توجه به اینکه شیوع فقر در میان اکثریت افراد یک جامعه می‌تواند قابل تحمل باشد، لیکن گسترش دامنه نابرابری‌های اقتصادی در میان طبقات گوناگون می‌تواند تاثیر بسزایی در افزایش استرس‌های اجتماعی و جرم خیزی داشته باشد. از آنجا که حفظ ثبات و امنیت جامعه یکی از مهمترین اهداف سیاست‌گذاران کشور بشمار می‌رود، شناسایی نابرابری‌های اقتصادی می‌تواند کمک موثری برای برنامه ریزی مناسب جهت کاهش آن و ایجاد امنیت اجتماعی و ملی داشته باشد. در اینجا است که صنعت گردشگری را می‌توان به عنوان صنعتی با خصوصیات مختص به خود که احتمالاً نقشی مهم در بهبود درآمدی دهک‌های پایین دارد مورد تحلیل قرار داد.

توجه به وسعت و اهمیت صنعت گردشگری از یک سو و ارتباط تنگاتنگی که می‌تواند با توزیع درآمد و فقرزدایی داشته باشد از سوی دیگر، اهمیت پژوهش در این حوزه را یادآور می‌شود. ابتدا اثرات مخارج گردشگری صرف شده در ایران را بر توزیع درآمد مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. اینکه صنعت گردشگری چگونه بر دهک‌های درآمدی در ایران تاثیر گذار است، اولین هدف این تحقیق خواهد بود. بعد از آن مسئله نابرابری‌های درآمدی و اثرات آن بر امنیت اجتماعی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. از این طریق می‌توانیم هدف سوم این پژوهش یعنی تحلیل رابطه گردشگری و امنیت اجتماعی را از کانال اثرات توزیع درآمدی این صنعت دنبال کنیم.

۱-۳. اهمیت و ارزش پژوهش

اهمیت گردشگری در ایجاد آثار مثبت اقتصادی در جهان به طور روز افزون افزایش یافته و در تمامی کشورها این فعالیت به عنوان یکی از عوامل اصلی ایجاد اشتغال، کاهش نرخ بیکاری، افزایش درآمد ارزی و بهبود تراز پرداخت‌ها مورد توجه است. حتی در برخی کشورها به ویژه کشورهای اروپایی، جهانگردی به عنوان یکی از مهمترین راهبردهای توسعه محسوب می‌شود. پیش‌بینی نرخ رشد گردشگری در جهان معادل ۴/۱ درصد طی سالهای آتی نشان‌دهنده اهمیت این فعالیت در اقتصاد جهانی است. اهمیت گردشگری در اقتصاد یک کشور را می‌توان از طریق تاثیراتی که هزینه‌های گردشگر در قالب افزایش قیمت‌ها و مخارج مصرفی خانوارها، هزینه فرصت از دست رفته هزینه فرصت تخصیص منابع به فعالیتهای گردشگری و برخی هزینه‌های اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار داد. به جرات می‌توان گفت که گردشگری و اقتصاد گردشگری امروزه به یکی از اصلی‌ترین ارکان اقتصاد تجاری جهان تبدیل شده است، به نحوی که بسیاری از اقتصاددانان از این صنعت با عنوان مبنایی برای توسعه پایدار یاد می‌کنند. طبق برآوردهای صورت گرفته بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ میلادی، صنعت جهانگردی با بیش از ۱۵ میلیارد گردشگر، نخستین صنعت درآمدزای جهان خواهد بود. این صنعت بر اساس برآوردهای صورت گرفته سالانه دارای حدود ۲-۱ هزار میلیارد دلار در آمد است که در سال ۲۰۲۰ به احتمال فراوان این صنعت دو تریلیون دلار درآمد را نصیب کشورهای مختلف می‌کند. (نشریه حیات نو اقتصادی، ۱۳۸۴)

افزایش درآمدهای ارزی دولت که از گردشگری حاصل می‌شود به خصوص در زمان کسری بودجه می‌تواند به تامین مخارج عمومی دولت کمک نموده که این به نوبه خود می‌تواند در کاهش فقر مالی و فرهنگی کاملاً موثر باشد. با وجود تمام تلاش‌هایی که طی هفت دهه گذشته انجام شده است، باز هم دست اندرکاران و کارشناسان اقتصاد گردشگری معتقدند که ایران در جایگاه بسیار نامطلوبی در نقشه گردشگری جهان ایستاده است. در حالی که ایران در رتبه ۱۱۴ جهانی قرار دارد گزارش مجمع بین‌المللی اقتصاد در سال ۲۰۱۱ نشان می‌دهد فاصله ایران با سایر کشورهای توریست پذیر

همسایه از لحاظ تسهیلات گردشگری، تنوع در جاذبه های رقابت پذیری در صنعت سفر و توریسم بسیار زیاد است، به طوری که کشور ترکیه در رتبه پنجاهم قرار دارد، یعنی ۶۴ پله بالاتر از ایران. (نشریه اعتماد، ۱۳۸۴)

همگام با گسترش صنعت گردشگری در برهه کنونی، ارتباطات ارگانیک این صنعت با مولفه‌هایی چون امنیت داخلی و ملی، صنایع حمل و نقل، خدمات، رسانه، جامعه، آموزش و پرورش و ... وارد مرحله جدیدی شده است. کارشناسان می‌گویند که میان گردشگری و ثبات و توسعه امنیت، رابطه‌ای تعریف شده وجود دارد، چراکه توسعه زیرساخت‌های گردشگری، همکاری دستگاه‌های فرهنگی در تبلیغات مناسب و مشارکت گسترده دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی همزمان با توسعه صنعت گردشگری، توسعه امنیت ملی را نیز به همراه خواهد داشت. نقش و تأثیر صنعت گردشگری در ترسیم امنیت ملی و اجتماعی یک کشور چنان است که اکثریت کشورهای توسعه‌یافته با وجود دارا بودن منابع کلان اقتصادی و درآمد، ترجیح می‌دهند بر روی صنعت گردشگری متمرکز شوند.

امنیت یکی از اهداف اصلی جوامع و نظام‌های سیاسی محسوب می‌شود. ایجاد و حفظ امنیت و در پی آن افزایش ثبات و توسعه منافع ملی همواره مدنظر رهبران سیاسی و مردم کشورها است. بنابراین برای نیل به آن ضروری است تا اقدامات گوناگونی به عمل آید. یکی از اینگونه اقدامات، شناسایی تهدیدات و عوامل برهم زننده امنیت است. از مهمترین مقتضیات شرایط کنونی کشور درک واقع بینانه از جامعه، تحولات، فرصت‌ها، ظرفیت‌ها، تهدیدات ملی و نگرانی‌هایی است که در شرایط کنونی با آن مواجه هستیم. درک واقع بینانه از شرایط است که می‌توان با تدبیر و تمهید، به حل مشکلات جامعه همت گماشت و از فرصت‌ها برای تعمیق روند توسعه و تامین امنیت کشور بهره برداری نمود. نمونه بارز این تهدیدها، شرایطی است که در زمینه نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در فضای جامعه وجود دارد. چنانچه شهر تهران به عنوان پایتخت کشور بالاترین سهم نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و در همان راستا بیشترین میزان جرم و جنایت و بیشترین میزان بودجه نیروی انتظامی کشور را به خود اختصاص داده است.

یک جامعه و اقتصاد سالم به سمت بهبود کیفیت زندگی شهروندان خود حرکت می‌کنند. اهمیت گردشگری برای بسیاری از کشورها و جوامع غیر قابل انکار است. مهمتر آنکه نظام عدالت‌گرا باید رابطه پدیده‌هایی مثل جرم و جنایت و بازدیدکنندگان گردشگر را به منظور اقدامات پیشگیرانه و همچنین پاسخ‌سازمانی به کاهش یا افزایش گردشگری در نظر داشته باشد (پلفری^{۱۳}، ۱۹۹۸).

حضور مستقیم بازدیدکنندگان و گردشگران در یک کشور علاوه بر توسعه اقتصادی و تبادلات فرهنگی، آن کشور را به عنوان یک قطب امن گردشگری به جهانیان معرفی می‌کند. وجود چنین منبع عظیم درآمدی نه تنها می‌تواند بر توزیع درآمد و کاهش فقر در کشورهای گردشگر پذیر موثر باشد، بلکه با افزایش درآمد ملی و در نتیجه افزایش درآمد مالیاتی دولت و در نهایت تزریق بخشی از این درآمد به بخش‌های امنیتی و اطلاعاتی می‌تواند مولد توسعه امنیت و رفاه بیشتر شود. گسترش امنیت خود می‌تواند باعث جذب بیشتر گردشگران شده و اثرات مثبت آن را به صورت فزاینده‌ای افزایش یابد. یعنی ایجاد یک چرخه مثبت با محوریت امنیت اجتماعی، گردشگری و فقرزدایی. با توجه به موارد مذکور، بررسی رابطه گردشگری و فقرزدایی با امنیت اجتماعی کاملاً ضروری به نظر رسیده و تحلیل و کندوکاوی دقیق در این حوزه را طلب می‌نماید.

۱-۴. اهداف پژوهش

۱. تحلیل نقش صنعت گردشگری در فقرزدایی در ایران
۲. تحلیل رابطه فقر زدایی و امنیت اجتماعی در ایران
۳. تحلیل رابطه صنعت گردشگری با امنیت اجتماعی در ایران

۱-۵. فرضیه‌ها (در صورت لزوم) یا سوال‌های پژوهش

۱. صنعت گردشگری در ایران بر فقرزدایی موثر است.

۲. فقرزدایی در ایران بر امنیت اجتماعی موثر است.

۳. صنعت گردشگری در ایران بر امنیت اجتماعی موثر است.

۱-۶. روش پژوهش

۱-۶-۱. نوع مطالعه و روش بررسی فرضیه ها و یا پاسخگویی به سوالات (توصیفی،

تجربی، تحلیل محتوا، اسنادی، تاریخی و ...)

این مطالعه از بعد هدف کاربردی است. در بررسی اثر صنعت گردشگری بر فقر زدایی از روش توصیفی-محاسباتی استفاده می شود. در بررسی اثر فقرزدایی بر امنیت اجتماعی از روش تحلیلی-تجربی استفاده می گردد.

به عبارت دیگر در این پژوهش، نقش صنعت گردشگری در بهبود توزیع درآمد با روش توصیفی-محاسباتی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. یعنی به دنبال پاسخ گویی به این سوال هستیم که آیا توسعه صنعت گردشگری می تواند به بهبود توزیع درآمد کمک کند؟ در چه استان هایی توسعه این صنعت اثرات بیشتری را برای کل اقتصاد از لحاظ رشد و افزایش درآمد به ارمغان دارد؟

پس از آن به بررسی اثرات فقرزدایی (توزیع درآمد) بر امنیت اجتماعی پرداخته می شود. اینکه توزیع درآمد در ایران چگونه بر ارتکاب جرم موثر است، هدف دیگر این پژوهش بوده و از روش تحلیلی-تجربی استفاده می شود. و در نهایت به این سوال پاسخ داده خواهد شد که چگونه توسعه صنعت گردشگری بر امنیت اجتماعی اثر گذار است؟

۱-۶-۳. ابزار گردآوری داده ها (پرسشنامه، مصاحبه و ...)

اطلاعات و داده های اقتصادی مورد نیاز از گزارشات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir) و مرکز آمار ایران (www.sci.org) جمع آوری شده است.

۱-۶-۴. ابزار تجزیه و تحلیل نتایج

در این پژوهش از ماتریس حسابداری اجتماعی برای بررسی نقش صنعت گردشگری در فقرزدایی استفاده می شود. استفاده از اطلاعات به منظور تجزیه و تحلیل نقش صنعت گردشگری در فقر زدایی در محیط نرم افزاری EXCEL و SPSS و نرم افزار های مرتبط در قالب حسابداری اجتماعی استان های مختلف انجام می گیرد. مباحث مربوط به فقر زدایی و امنیت اجتماعی با استفاده از نرم افزار های EViews و SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند.

۱-۸. کلید واژه ها

صنعت گردشگری (Tourism Industry): گردشگری سفری است برای مقاصد تفریحی، فراغت و تجارت. سازمان گردشگری جهانی، گردشگر را افرادی می داند که به اماکنی غیر از محیط معمول خود کمتر از یک سال متوالی برای فراغت، تجارت و دیگر مقاصد سفر می کنند. در صنعت گردشگری اصولاً سه گروه مختلف را می توان شناسایی کرد که هر یک اهداف خاص خود را دنبال می کنند. اولین گروه گردشگران هستند که به دنبال حداکثر نمودن منافع روانی و دستاوردهای ناشی از تجربه مسافرتند. دومین گروه بنگاههای عرضه کننده کالاها و خدمات مربوطه اند و آنها نیز به دنبال حداکثر سازی سود خود هستند. و بالاخره سومین گروه، دولت میزبان است که سعی در حداکثر نمودن منافع اولیه و ثانویه ناشی از مخرج گردشگران در حیطه قلمرو خود دارد. (دانشنامه آزاد ویکی پدیا و صباغ کرمانی، ۱۳۸۰: ۲۹۹)

ماتریس حسابداری اجتماعی (Social Accounting Matrix): ماتریس حسابداری اجتماعی ماتریس مربعی است و مجموعه ای از حساب ها را نشان می دهد که جریان های درآمدی و هزینه ای را بین فعالیت های تولیدی، عوامل تولید و موسسات (نهاده های اجتماعی و اقتصادی) توصیف می نماید. این ماتریس جریان های پولی را توسط ستون ها (هزینه ها)

و ردیف‌ها (درآمدها) نشان می‌دهد، به طوری که مجموع هزینه‌ها (ستون‌ها) و دریافتی‌ها (ردیف‌ها) برابرند. (زورار و دباغ، ۱۳۸۲: ۱۴۴)

ضریب جینی (Gini Coefficient): شاخصی برای نشان دادن نابرابری است. ضریب جینی، نابرابری توزیع درآمد را در یک کشور اندازه‌گیری می‌کند. مقدار صفر نشان‌دهنده برابری کامل است، یعنی تمام خانوارها دقیقاً عایدی برابری دارند. مقدار یک نشان‌دهنده نابرابری مطلق است و زمانی است که یک خانوار تمام درآمد یک کشور را در اختیار دارد. (اکنومیست^{۱۴}، ۲۰۱۲)

امنیت اجتماعی (Societal Security): یک مفهوم فرضی برای هر جمع انسانی است و آن عبارتست

از: قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، انجمن‌ها، هویت ملی و رسوم (مولر^{۱۵}، ۲۰۰۰)

^{۱۴} - Economist

^{۱۵} - Moller

فصل دوم

ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

۲-۱. مقدمه

صنعت گردشگری به همراه اثرات آن نقش فزاینده‌ای در تمام کشورها و بالاخص کشورهای در حال توسعه می‌تواند ایفا کند و از اوایل دهه ۷۰ به عنوان راهی برای کاهش کسری بودجه، منبع تامین ارز خارجی، و ایجاد اشتغال مطرح شده است.

یکی از مهمترین اثراتی که اخیراً توجه زیادی به آن شده است، نقش گردشگری در تغییر توزیع درآمد و بالاخص در مورد کشورهای در حال توسعه ای است که به این منابع ارزی احتیاج بیشتری دارند. در این کشورها که فقر و اختلاف طبقاتی شدت بیشتری دارد، گردشگری ضمن اینکه در تامین نیازهای ارزی بسیار مورد توجه است، چگونگی اثرگذاری آن بر دهک‌های درآمدی مختلف و در صورت امکان یافتن روش‌هایی برای هدایت این درآمدها به دهک‌های درآمدی پایین‌تر بسیار حایز اهمیت است.

از سوی دیگر امنیت در معنای عام و امنیت اجتماعی در معنای خاص‌تر از مهمترین مولفه‌های اثرگذار بر صنعت گردشگری در هر کشوری است. امنیت از ضروریات زندگی امروزی بوده و صاحبان نظران آن را به دو بخش امنیت ملی و امنیت خارجی تقسیم می‌کنند و امنیت اجتماعی را می‌توان زیر مجموعه امنیت ملی دانست. حال این سوال را مطرح می‌شود که آیا می‌توان رابطه امنیت اجتماعی و گردشگری را یک رابطه دو سویه دانست؟ یعنی آیا گردشگری خود می‌تواند از کانال‌های اقتصادی مثل توزیع درآمد بر امنیت اجتماعی اثرگذار باشد؟

این پژوهش برآیند بررسی اثرات گردشگری بر توزیع درآمد، تاثیر آن بر امنیت اجتماعی را نیز مورد تحلیل قرار دهد.

۲-۲. تعریف گردشگری

تعریف واحدی از گردشگر و صنعت گردشگری وجود ندارد، در فرهنگ و بستر حوزه گردشگری مربوط به مسافرت هایی است که برای مقاصد تفریحی انجام می شود.

از نظر سازمان جهانی گردشگری (W.T.O)^{۱۶} گردشگر به کسی گفته می شود که به کشور دیگری غیر از کشور محل اقامت خود سفر کند و هدفی غیر از آنچه در کشور خود دارد را پیگیری نماید. از لحاظ تعریف عملیاتی نیز از نظر سازمان جهانی به کسانی اطلاق می شود که حداقل یک شب یا بیشتر را در کشور مقصد می گذرانند و هدفشان سرگرمی، تفریح، سلامتی و کسب آرامش، مطالعه، زیارت، ورزش و امثالهم می باشد.

آنچه مسلم است این است که گردشگری مفهومی فراگیر و گسترده است و تاریخچه آن به معنای امروزی به حدود دویست سال قبل باز می گردد.

۲-۲-۱. انواع گردشگری

سازمان جهانی گردشگری برای انواع گردشگری الگوی تقسیم بندی زیر را پیشنهاد می کند:

۱- گردشگرانی که از خارج وارد کشور می شوند (گردشگر خارجی).

۲- گردشگرانی که اهل یا مقیم آن کشورند و به داخل کشور مسافرت می کنند (گردشگر داخلی).

۳- گردشگرانی که از داخل کشور خود به خارج مسافرت می کنند. (کوچر و فلچر، ۱۳۸۰)

اما می توان از معیار های دیگری نیز برای تقسیم بندی گردشگری بهره جست. طبقه بندی گردشگری در آمار گیری ها با توجه به هدفی که گردشگر از سیر و سفر دنبال می کند، صورت می گیرد. چرا که اطلاع از هدف گردشگر، به سیاستگذار و برنامه ریز در طرح های توسعه اقتصادی گردشگری، کمک قابل توجهی می کند. به این ترتیب می توان انواع گردشگری را به شرح زیر بیان کرد:

۱- گردشگری استراحت و سلامت

۲- گردشگری فرهنگی

۳- گردشگری مذهبی

۴- گردشگری ورزشی

۵- گردشگری اقتصادی

۶- گردشگری سیاسی

۷- گردشگری چشم انداز ها و طبیعت

۸- گردشگری تعطیلات

^{۱۶} -World Tourism Organization

۲-۳. صنعت گردشگری و فقرزدایی

فقر یک موضوع پیچیده و چند بعدی بوده به طوری که ادبیات آکادمیک بزرگی را به خود اختصاص داده است و در اینجا مجال بیان آن نیست. به منظور انجام تحلیل خود باید ویژگی های اساسی تحقیقات در مورد فقر را توصیف نموده و نشان دهیم که چگونه به موضوع اثرات گردشگری مربوط می شوند.

جنبه های چند بعدی فقر را می توان شامل درآمد پایین، سطح پایین ثروت، محیط زیست فقیر، نبود آموزش یا سطح آموزشی پایین، ناتوانی و آسیب پذیری در نظر گرفت سطوح درآمدی پایین یکی از روش های اصلی است که فقر را بدان اندازه گیری می کنند، و سطح فقر مطلق به وسیله خط یک دلار در روز تعیین می شود. پایین بودن سطح ثروت یکی دیگر از جنبه های اقتصادی فقر است؛ یعنی خانوار ها ممکن است که سطح درآمدی بالاتر از یک دلار در روز داشته باشند اما عمیقاً گرفتار بدهی های دارایی های کوچک باشند.

چهار کانال که مک کالوچ، وینترز و سیررا (۲۰۰۱)^{۱۷} برای بررسی ارتباطات بین آزاد سازی تجاری و فقر استفاده کرده اند، هم اکنون نیز چارچوبی مفید برای بررسی ارتباطات توریسم و فقرزدایی هستند.

اولین کانال قیمت ها است، که مخارج گردشگری منجر به تغییرات در قیمت کالاهایی می شود که خانوارهای فقیر خریداری می کنند. کانال دوم درآمد ها است، مخارج گردشگری منجر به تغییرات در درآمدهای نیروی کار و دارای شغل آزاد و همچنین بازدهی سرمایه می شود. کانال سوم دولت است، مخارج گردشگری درآمد دولت را تغییر داده و بنابراین منجر به تغییر مخارج دولتی، استقرار دولت و نرخ مالیات می شود. کانال چهارم ریسک است، که اثرات مخارج توریسم با تغییر در شرایط بازار، آسیب رسانی به خانوارهای فقیر را کاهش یا افزایش دهد.

طرقی که گردشگری بر این کانال ها اثر می گذارد بستگی به راههایی دارد که مخارج توریسم بر اقتصاد در سطح عمومی تر اثر می گذارد. گردشگران می توانند انواع مختلفی از کالاها و خدمات را خریداری کنند. این کالاها و خدمات می توانند به وسیله صنایع مختلف تولید شده باشند و حتی برخی وارداتی باشند. اثرات آن بر درآمد و اشتغال در صنایعی که کالاهای آن را توریست ها خریداری می کنند، اثر مستقیم نامیده می شود. این صنایع دیگر کالاها و خدمات را به عنوان بخشی از فرایندهای تولیدی خود می خرند و اینها هم به وسیله دیگر صنایع تولید شده اند یا آنها را وارد کرده ایم.

بدین طریق زنجیره ای از صنایع وجود دارد که کالاهایی تولید می کنند که در نهایت به مصرف گردشگر می رسد. اثرات گردشگری بر اقتصاد از طریق این زنجیره عرضه، اثر غیر مستقیم نامیده می شود. همانطور که بومیان داخل کشور از این فعالیت درآمدی کسب می کنند و بخشی از این درآمد اضافی صرف پرداخت به تولیدات داخلی می شود، دور سومی از اثرات وجود دارد که اثرات القایی نامیده می شوند.

۲-۴. نابرابری های درآمدی و امنیت اجتماعی

امنیت از جمله پدیده های مهم و شایان توجهی است که از نیازها و ضرورت های اساسی و پایه ای فرد و جامعه به شمار می رود و فقدان آن یا اختلال در آن پیامدها و بازتاب های نگران کننده و خطرناکی به دنبال داشته و تامین و مراقبت از آن در فرایند پایایی و پایداری امنیت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و جغرافیایی از مطلوبیت ویژه ای برخوردار است. در همین رابطه دولت ها و نظام های سیاسی، سالانه بودجه های هنگفتی را هزینه می نمایند. یکی از انواع امنیت ها امنیت اجتماعی است که از جایگاه ویژه و موقعیت برجسته ای برخوردار بوده و تولید و تامین و همچنین پایداری آن نیازمند مقدمات و زمینه هایی نسبتاً پیچیده بوده و آسیب پذیری و زوال آن نیز تحت تاثیر زمینه ها و متغیر های متفاوتی است که شناخت و معرفت بر آنها ضرورتی اساسی دارد.

امنیت یکی از اهداف اصلی جوامع و نظام های سیاسی محسوب می شود. ایجاد و حفظ امنیت و در پی آن افزایش ثبات و توسعه منافع ملی، همواره مدنظر رهبران سیاسی و مردم کشورها است. بنابراین برای نیل به آن ضروری است تا اقدامات گوناگونی به عمل آید. یکی از اینگونه اقدامات شناسایی تهدیدات و عوامل برهم زننده امنیت است. از مهمترین

^{۱۷}-McCulloch, Winters & cirera

مقتضیات شرایط کنونی کشور درک واقع بینانه از جامعه، تحولات، فرصت ها، ظرفیت ها، تهدیدات ملی و نگرانی هایی است که در شرایط کنونی با آن مواجه هستیم. تنها با درک واقع بینانه از شرایط است که می توان با تدبیر و تمهید، به حل مشکلات جامعه همت گماشت و از فرصت ها برای تعمیق روند توسعه و تامین امنیت کشور بهره برداری نمود. نمونه بارز این تهدیدها، شرایطی است که در زمینه نابرابری های اجتماعی و اقتصادی در فضای جامعه وجود دارد. چنانچه شهر تهران به عنوان پایتخت کشور بالاترین سهم نابرابری های اجتماعی و اقتصادی و در همان راستا بیشترین میزان جرم و جنایت و بیشترین میزان بودجه نیروی انتظامی کشور را به خود اختصاص داده است.

در این پژوهش نرخ جرم و تغییرات آن در استان ها را به عنوان مبنایی از بازتاب امنیت اجتماعی در ایران مدنظر قرار داده و رابطه آن را با نابرابری های درآمدی مورد تحلیل قرار می دهیم.

۲-۵. مبانی نظری نابرابری درآمدی و جرم

در نظریه اقتصادی جرم یک شخص میان فعالیت های قانونی و غیر قانونی به وسیله مقایسه منافع این فعالیت ها و در چارچوب نظریه اقتصادی انتخاب تحت شرایط نا اطمینانی، انتخاب می کند. گزینش میان دو فعالیت دو به دو ناسازگار ضرورتی ندارد، اما انتخاب تعیین تخصیص بهینه زمان میان انجام فعالیت های قانونی و غیر قانونی ضروری می باشد. منافع انتظاری ناشی از فعالیت های غیر قانونی به فرصت های ایجاد شده توسط قربانیان بالقوه جرم بستگی دارد. اگر مجرمان در انتخاب اهدافشان و رسیدن به آنها ناتوان بودند، به نظر می آمد که سود انتظاری ناشی از جرم می بایست متناسب درآمد متوسط جامعه باشد.

هزینه صرف وقت در فعالیت های غیر قانونی، به هر حال بستگی به هزینه فرصت زمان دارد. هزینه فرصت در اینجا عبارتست از منافع ناشی از فعالیت های قانونی که تابعی از توانایی های فردی، آموزش و سایر توانایی های مشروع و قانونی می باشد. در یک جامعه دارای نابرابری های قابل ملاحظه درآمد، شکاف میان درآمد متوسط و درآمد های قانونی بالقوه نیروی کار بزرگ خواهد بود و بنابراین برای مردمی که در دهک های پایین درآمدی هستند، انگیزه ای می شود تا مرتکب جرم شوند.

با استفاده از یک مدل می توان این موضوعات را بیشتر و بهتر توضیح داد. یک انتخاب شخصی میان کار کردن و ارتکاب جرم برای بدست آوردن درآمد در طول یک دوره انفرادی را در نظر بگیرید. فرض می کنیم که جرم و فعالیت قانونی بازار کار، دو فعالیت دو به دو ناسازگار هستند و اینکه افراد در انجام یا صرف وقت در ارتکاب جرم، آزادی کامل دارند. فرض کنید y درآمد شخصی ناشی از فعالیت قانونی بازار کار، \bar{y} درآمد متوسط جامعه و t منافع انتظاری ناشی از فعالیت های غیر قانونی (که با درصد زبان ایجاد شده برای فرد قربانی جرم یکسان است). همچنین μ_v ریسک قربانی شدن است (یعنی خطر وقوع حادثه برای شخص تبهکار در حین ارتکاب جرم)، μ_a ریسک دستگیری مجرم، δ هزینه روحی و روانی قربانی، f جریمه قابل پرداخت در صورت دستگیری و k هر نوع هزینه روحی و روانی ناشی از تنبیه شدن مجرم برای یک جرم می باشد.

فرض می کنیم که اگر مجرم دستگیر شود، مقدار کالای سرقت رفته به قربانی برگردانده می شود و در نهایت فرض آخری که لازم است در نظر گرفته شود این است که افراد دارای درآمد های متفاوت ناشی از کار و فعالیت مشروع و قانونی اند، اما در سایر موارد، مشابه یکدیگر می باشند.

بر اساس این نکات و بر اساس مدل نیلسون (Nilson, 2004) ارزش انتظاری ناشی از شرکت در فعالیت قانونی عبارتست از:

$$U(y) - \delta + \mu_a [U(y(1-t) + \mu_v [(1 - \mu_v)U(y) + \mu_v E_L] - (\mu_a)U(y(1-t) + \mu_v [(1 - \mu_v)U(y) + \mu_v E_L] - \delta)$$

ارزش انتظاری ناشی از شرکت در فعالیت غیر قانونی را می توان به صورت زیر نوشت:

$$U(t) + U(-f - k) - (\mu_a)U(t) + U(-f - k) - (\mu_a)U(t) + U(-f - k)$$

در معادله اول، فرض کرده ایم که مجرمان فقط از شهروندانی که قانونمند هستند، سرقت می کنند که به طور ضمنی دلالت دارد بر اینکه مجرمان خودشان را در معرض خطر ناشی از قربانی شدن قرار نمی دهند. و به عبارت دیگر، مجرمان از افرادی که قانونمند نیستند و ممکن است به شخص مجرم در حین ارتکاب جرم آسیب برسانند، سرقت نمی کنند. این فرض جهت سادگی مدل در نظر گرفته شده و حذف آن مدل را دگرگون نمی کند.

اگر منافع انتظاری ناشی از ارتکاب جرم از درآمد ناشی از فعالیت قانونی بیشتر باشد، فرد مرتکب اعمال مجرمانه خواهد شد، از این رو بسته به اینکه EV_L بزرگتر یا کوچکتر از EV_I باشد، فرد یک نیروی کار معمولی یا یک مجرم می شود. برای ما مهم است تا فردی که بین بازار کار قانونی و فعالیت غیر قانونی بی تفاوت می باشد را مشخص نماییم.

در حالت مرسوم، آن دو معادله را برای سطحی از درآمد بازار کار (y^*) که برابری میان EV_L و EV_I را نتیجه می دهد، حل می کنیم. در شرایط معمولی می توانیم y^* را به این صورت تعریف کنیم:

$$=f(\bar{y}, \mu_V, \mu_A, \delta, k, t, f) * y$$

با توجه به شکل ساده توابع سود ۱ و ۲، این معادله نشان می دهد که هر فردی با درآمد قانونی بازار کار، (y)، که زیر y^* باشد، مجرم شدن را انتخاب می کند، در حالی که هر فرد با درآمد بیشتر از y^* ، فعالیت در بازار قانونی کار را انتخاب خواهد کرد.

$$(i) \frac{\partial y^*}{\partial \bar{y}} > 0, \quad (ii) \frac{\partial y^*}{\partial \mu_V} > 0, \quad (iii) \frac{\partial y^*}{\partial \mu_A} < 0,$$

$$(v) \frac{\partial y^*}{\partial k} < 0, \quad (vi) \frac{\partial y^*}{\partial t} > 0, \quad (vii) \frac{\partial y^*}{\partial f} < 0,$$

معادلات ۴ نشان می دهند، y^* یکنواخت در درآمد موردنیاز برای اینکه شخص، ارتکاب جرم را انتخاب نکند و به عبارت دیگر، حداقل درآمدی که اگر درآمد شخص از آن کمتر باشد، مرتکب سرقت می شود با متغیرهای

$\mu_V, \mu_A, \delta, k, t, f$ به ترتیبی که توضیح داده می شود، در ارتباط می باشند: (۱) y^* با درآمد متوسط جامعه رابطه مستقیم دارد و با بالا رفتن آن افزایش می یابد: (i) $\frac{\partial y^*}{\partial \bar{y}} > 0$ ؛ (۲) y^* با افزایش ریسک قربانی شدن (یعنی افزایش خطر مصدوم

شدن مجرم در حین ارتکاب عمل مجرمانه) رابطه مستقیم دارد و با بالا رفتن آن افزایش می یابد: (ii) $\frac{\partial y^*}{\partial \mu_V} > 0$ ؛ (۳)

y^* با افزایش ریسک دستگیر شدن، رابطه معکوس دارد و با بالا رفتن آن کاهش می یابد: (iii) $\frac{\partial y^*}{\partial \mu_A} < 0$ ؛ (۴) y^* با

افزایش هزینه روحی و روانی ناشی از قربانی شدن، رابطه مستقیم دارد و با بالا رفتن آن افزایش می یابد: (i) $\frac{\partial y^*}{\partial \bar{y}}$ ؛

(۵) y^* با افزایش هزینه روحی و روانی ناشی از تنبیه شدن مجرم رابطه معکوس دارد و با بالا رفتن آن کاهش

می یابد: (v) $\frac{\partial y^*}{\partial k} < 0$ ؛ (۶) y^* با افزایش جریمه قابل پرداخت در صورت دستگیری مجرم، رابطه معکوس دارد و با

بالا رفتن آن کاهش می یابد: (vii) $\frac{\partial y^*}{\partial f} < 0$.

سپس ما تابع $f(y)$ را در فاصله $[y_{min} \ y_{max}]$ به عنوان تابع چگالی جمعیت در نظر گرفتیم و می توانیم تعداد کل جرم در یک اقتصاد را به کمک انتگرال زیر نشان دهیم:

$$= \int_{y_{min}}^{y^*} f(y) dy$$

نرخ جرم به شمار افراد دارای درآمد منظم و پایین بازار کار جامعه (یعنی تراکم جمعیت در فاصله بین γ^* و γ_{min})، عرضه کالاها قابل سرقت (نشان داده شده به وسیله درآمد متوسط \bar{Y}) و متغیر های بازدارنده مثل ریسک و هزینه روحی و روانی ناشی از دستگیر شدن بستگی خواهد داشت.

اگرچه این مدل، بینش های مفیدی را به ما می دهد، اما دلالت های غیر واقعی نیز دارد، از جمله اینکه بیان می کند هر عاملی با توانایی کار پایین، یک مجرم خواهد شد، در صورتی که در حقیقت در بعضی مواقع این گونه است که افراد ثروتمند، جرم هایی را مرتکب می شوند تا نسبت به قبل ثروتمندتر شوند که به نوعی بیانگر ویژگی سیری ناپذیری و حریص بودن انسان است و از طرف دیگر، با این فرض که هر فردی دارای ارزشهای اخلاقی است، حداقل درآمد قانونی مورد نیاز جهت انجام ندادن جرم برای اشخاص مختلف، متفاوت می باشد، چه بسا اشخاصی با درآمد قانونی بسیار ناچیز نیز مرتکب جرم نشوند، لذا به نظر می آید در نظر گرفتن یک حداقل درآمد قانونی یکسان برای کل جامعه، جهت انجام ندادن جرم، صحیح نیست. بنابراین، نمی خواهیم تصریحات اقتصاد سنجی خود را با استحکام زیاد به این مدل ارتباط دهیم، اما معتقدیم که این مدل، می تواند در یک مسیر رضایت بخش، به عنوان راهنمایی برای بیان چگونگی اثر نابرابری درآمد بر روی جرم به کار رود.

۲-۶. ماتریس حسابداری اجتماعی و ساختار اصلی

ماتریس حسابداری اجتماعی، یک نوع سیستم حسابداری است که در آن جریان های درآمد و هزینه میان نهاد ها و بخشهای مختلف اقتصاد در قالب سطر ها و ستون های یک ماتریس نشان داده می شود. در این ماتریس هر حساب کلان اقتصادی توسط یک ستون که نشان دهنده پرداخت ها و یک سطر که نشان دهنده دریافت های آن حساب می باشد منعکس می گردد. به عبارت دیگر این سیستم حسابداری در قالب یک ماتریس مربع با سطر ها و ستونهایی تهیه می گردد که هر یک از سطر ها و ستونها از یک سو اطلاعاتی در مورد تولید و درآمد ایجاد شده توسط گروه ها و نهاد های مختلف ارائه نموده و از سوی دیگر آمار های مربوط به هزینه های صورت گرفته توسط این نهادها را نشان می دهند. بنابراین دریافت های هر نهاد به عنوان درآمد در سطر های ماتریس و پرداخت های صورت گرفته توسط هر نهاد نیز به عنوان هزینه در ستون های آن نشان داده می شود. در این ماتریس کل دریافت ها و پرداخت ها و در نتیجه مجموع سطر ها و ستون ها برای هر حساب با هم برابر بوده و این برابری برای کل دریافت ها و پرداخت های هر نهاد نیز باید برقرار باشد. انتخاب تعداد سطر ها و ستونهای این ماتریس با توجه به ماهیت و شرایط اقتصادی هر کشور و نیز با در نظر گرفتن اهداف تهیه این ماتریس قابل انعطاف بوده و این عوامل به ترتیب درجه تفکیک پذیری و نیز تعداد سطر و ستونهای ماتریس را تعیین می کنند. چنانکه اشاره گردید، هر یک از سطر ها و ستون های ماتریس حسابداری اجتماعی نشانگر حساب های مختلف در سیستم اقتصادی است و ارقام مربوط به آنها نیز به نوبه خود ارزش مبادلات انجام شده میان این حسابها را در یک کشور و در یک دوره زمانی معین نمایش می دهد. برای هر حساب مشخص و در نتیجه هر جفت سطر و ستون معین، اقلام وارد شده در سطر ها نشانگر دریافت ها و یا درآمد های آن حساب و اقلام ستون متناظر با این سطر ها نیز میزان پرداختی ها و هزینه های مربوط به آن حساب را نشان می دهد. به طور کلی در هر سیستم اقتصادی، کلیه درآمدها باید با هزینه های متناظر خود برابر بوده و این برابری برای کلیه سطر ها و ستون های متناظر در ماتریس حساب داری اجتماعی نیز باید برقرار باشد. بنابراین به عنوان مثال رقمی که در سطر i و ستون j این ماتریس قرار دارد نشان دهنده ی هزینه های پرداختی حساب j است که توسط i ام دریافت شده است.

اجزای اصلی ماتریس حسابداری اجتماعی به شکل خلاصه شده در جدول شماره ۲-۱ نشان داده شده است. بر اساس این جدول، ماتریس حسابداری اجتماعی را می توان به طور کلی بر حسب حساب های درونزا^{۱۸} و برونزا^{۱۹} نشان داد. حسابهای درونزا حساب هایی هستند که درآمد آنها در چارچوب ارتباطات در نظر گرفته شده در مدل تعیین می شود، در صورتیکه درآمد حسابهای برونزا در خارج از این چارچوب تعیین می گردد. در حالت استاندارد، حسابهای تولید، حساب عوامل تولید و حساب نهادها (شامل خانوارها و شرکت ها) حسابهای اصلی درونزای ماتریس حسابداری اجتماعی را تشکیل می دهند و سایر حسابها که شامل حسابهای دولت، سرمایه و دنیای خارج می باشند، به عنوان حسابهای برونزا در نظر گرفته می شوند. مبادلات میان بخش های مختلف تولیدی توسط ماتریس T_{11} نشان داده می شود. T_{21} ماتریسی است

^{۱۸}-Endogenous

^{۱۹}-Exogenous

که پرداختی تولیدکنندگان به عوامل تولیدی یعنی کار، سرمایه و زمین را نشان می دهد و در واقع ماتریس انتقال ارزش افزوده از فعالیت های تولیدی به عوامل تولید می باشد. T_{32} ماتریس تخصیص درآمد عوامل تولیدی به خانوار ها (مالکان عوامل تولید) است و ماتریس T_{13} نیز چگونگی مصرف درآمد خانوارها را بیان می کند. بدین ترتیب ملاحظه می شود که مجموع اقلام سطری حساب تولید، مجموع درآمد تولیدکنندگان را در یک دوره زمانی مشخص یکساله نشان می دهد که از سه بخش تشکیل شده است: درآمد حاصل از فروش قسمتی از محصولات تولیدی خود به عنوان کالاهای واسطه ای به سایر بخش های تولیدی (ماتریس T_{11})، مصرف نهایی خانوارها از کالاهای تولید شده (ماتریس T_{13}) و "مصرف نهایی دولت"، تشکیل سرمایه و صادرات کالاهای تولیدی (بردار X_1). جمع اقلام ستون مذکور نیز هزینه بخش های تولیدی را نشان می دهد که شامل پرداخت جهت خرید کالاهای واسطه ای از سایر تولیدکنندگان (ماتریس T_{11}) پرداخت به عوامل تولیدی تحت عناوین جبران خدمات و مزاد عملیاتی (ماتریس T_{21}) نیز پرداخت به دولت و دنیای خارج به صورت مالیات و واردات (بردار L_1) می باشد. جمع سطری حساب عوامل تولید، درآمد عوامل تولید را نشان می دهد که از دو منبع ناشی می شود: درآمد حاصل از فروش خدمات آنها به تولیدکنندگان به صورت جبران خدمات و مزاد عملیاتی (ماتریس T_{21}) و همچنین درآمد عوامل تولید از دنیای خارج (بردار X_2). عوامل تولید، درآمدهای حاصله را به صورت درآمد نیروی کار و سود به خانوارها (ماتریس T_{32}) و همچنین دنیای خارج (بردار L_2) تخصیص می دهند که به صورت اقلام ستونی حساب عوامل تولید نشان داده شده است. سطر سوم کل درآمدهای نهادها شامل خانوارها و شرکتها را نشان می دهد که شامل درآمد حاصل از مالکیت عوامل تولید (ماتریس T_{32}) درآمدهای انتقالی بین نهادها (ماتریس T_{33}) و نیز پرداختهای انتقالی دولت و دنیای خارج به این نهادها (بردار X_3) می باشد. هزینه خانوارها و شرکتها نیز شامل مصرف کالاهای و خدمات تولید شده در داخل (ماتریس T_{13})، پرداختهای انتقالی به نهاد خانوار و شرکتها (ماتریس T_{33}) و پرداخت به دنیای خارج و دولت تحت عنوان واردات و مالیات و همچنین پس انداز نهاد خانوار (بردار L_3) می باشد. حسابهای برونزا نیز چنانکه قبلاً اشاره گردید شامل دولت، سرمایه و دنیای خارج است. درآمد های این حساب شامل مالیاتهای دریافتی از تولیدکنندگان توسط دولت، واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای توسط تولیدکنندگان و مجموع پس انداز دولت (بردار L_1)، پرداختی عوامل تولید به دنیای خارج (بردار L_2)، هزینه های مصرفی خانوارها بابت واردات کالاهای مصرفی، پرداختی نهادها به دنیای خارج و همچنین پس انداز خانوارها و شرکتها (بردار L_3) و دریافتی از خارج (ماتریس R) می باشد. هزینه های حسابهای برونزا نیز مشتمل بر پرداختی دولت جهت خرید کالاهای و خدمات، تشکیل سرمایه و صادرات (بردار X_1)، درآمد عوامل تولید از دنیای خارج (بردار X_2) و درآمد نهادها از دنیای خارج (بردار X_3) و پرداختی به دنیای خارج (ماتریس R) می باشد. Y_1 ، Y_2 و Y_3 و Y_x نیز به ترتیب مجموع هزینه تولیدکنندگان، عوامل تولید، خانوارها و سایر حسابها را نشان می دهند.

جدول ۱-۲- ماتریس حسابداری اجتماعی کلان بر حسب حساب های درون زا و برون زا

جمع ورودی ها (درآمدها)	حساب های برونزا		حساب های درون زا			ورودی ها	
	سایر حسابها (دولت، سرمایه، دنیای خارج)		حساب مصرف (خانوارها)	حساب عوامل تولید	حساب تولید	خروجی ها	
Y_1	X_1	T_{13}	۰	T_{11}	۱- حساب تولید ۲- حساب عوامل تولید ۳- حساب درآمد (خانوارها)	حساب های درون زا	
Y_2	X_2	۰	۰	T_{21}			
Y_3	X_3	T_{33}	T_{32}	۰			
Y_x	R	L_3	L_2	L_1	۴- سایر حسابها (دولت، سرمایه، دنیای خارج)		
	Y_x'	Y_3'	Y_2'	Y_1'	جمع خروجی ها (هزینه ها)		

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، معاونت اقتصادی، اداره حساب های اقتصادی

۷-۲. تئوری داده-ستانده و قواعد ماتریس حسابداری اجتماعی

جدول داده-ستانده پایه گسترش ماتریس حسابداری اجتماعی را تشکیل می دهد. لذا ابتدا باید با تئوری داده-ستانده آشنا شد. تاکید این تئوری بر ارتباط و وابستگی فعالیت تولیدی بخش های اقتصادی به یکدیگر به علت نیاز به کالاهای واسطه گوناگون برای تولید یک کالای معین است. به همین جهت گردش و مبادله کالا بین بخش های مختلف اقتصادی نقطه عطف این تجزیه و تحلیل است. تجزیه و تحلیل فوق به طور ضمنی بر فروض ذیل استوار است:

- ۱- هر بخش تولیدی تنها یک کالای معین تولید می نماید.
- ۲- هر کالا تنها توسط یک بخش تولید می شود.
- ۳- برای تولید هر کالا تنها یک روش تولید وجود دارد.
- ۴- داده ها یا مقادیر عوامل تولید یا کالا های واسطه مورد نیاز برای تولید یک مقدار معین از هر کالا، نسبت های ثابتی را به کل تولید یا ستانده تشکیل می دهند.

اگر میزان تولید هر بخش، بنا به تعریف شامل مقدار کالای تولیدی آن بخش که به مصارف نهایی (مصرف، سرمایه گذاری، هزینه های دولتی و ...) می رسد بوده و کالای تولیدی آن بخش که به عنوان کالای واسطه در جریان فعالیت تولیدی سایر بخش ها مورد استفاده است. اگر x_i کل تولید ناخالص بخش i باشد، با توجه به تعریف F_i و X_{ij} برای بخش i رابطه زیر برقرار است:

$$X_i = x_{i1} + x_{i2} + \dots + x_{in}$$

با توجه به اینکه اقتصاد کشور شامل n بخش است، معادلات ذیل نمایانگر مبادله کالا بین بخش های مختلف اقتصادی است:

$$X_1 = x_{11} + x_{12} + \dots + x_{1n} + F_1$$

$$X_2 = x_{21} + x_{22} + \dots + x_{2n} + F_2$$

.....

$$X_n = x_{n1} + x_{n2} + \dots + x_{nn} + F_n$$

اما چون بنا به تعریف a_{ij} مقدار کالای i را که برای تولی یک واحد از کالای j (کالای تولید شده در بخش j) لازم است نشان می دهد خواهیم داشت:

$$a_{ij} = X_i / X_j$$

$$i=1, \dots, n$$

$$j=1, \dots, n$$

اگر در سیستم معادلات فوق به جای X_{ij} ها مقادیر $a_{ij}X_j$ قرار گیرد، روابط زیر حاصل می شود: